

چهارشنبه ۱۴۰۰ / ۹ / ۱۰ جلسه ۴۲

موضوع: فقه شعائر / ادله رجحان تعظیم شعائر / دلیل دوم: بنای عقلا / بررسی احکام برخی مصادیق شعائر

به این نتیجه رسیدیم که تعظیم شعائر واجب است یا مستحب، پس مطلوب شارع است. نسبت به شعائر یا ۲ حالت تصور می‌شود:

۱- تعظیم شعائر

۲- وهن شعائر

در این ۲ حالت تعظیم نکردن یعنی وهن و تعظیم همیشه می‌شود واجب. اما اگر شعائر ۳ حالت باشد، یعنی:

۱- تعظیم شعائر

۲- وهن شعائر

۳- حالتی غیر از دو حالت اول و دوم

در این ۳ حالت بعضی از موارد تعظیم می‌شود واجب و بعضی از موارد می‌شود مستحب. پس نتیجه می‌گیریم که اگر ترک تعظیم شعائر سر از وهن درآورد، ۱۰۰٪ واجب است، چون یقیناً وهن شعائر حرام است.

تاکنون به بعضی از ادله نقلی بر رجحان تعظیم شعائر اعم از وجوب و یا ندب اشاره کردیم.

دلیل دوم: بنای عقلا

دلیل دوم بر وجوب تعظیم، حرمت هتک و وهن شعائر بنای عقلای عالم است. یعنی تمام عقلای عالم از هر گروه، ملیت و آئینی که باشند، هتک حرمت چیزهایی را که علامت، شعیره و نشانه بر آن فکر، ایده و مذهب است، جایز نمی‌دانند و تعظیم آن را واجب و یا لافل مندوب به معنای ما (راجع) می‌دانند.

مثلاً هر کشوری برای خودش پرچم دارد و اگر کسی پرچم آن کشور را آتش بزند، گاهی از خنوشان برای آنها مهم‌تر است و می‌گویند به شعار و علامت کشور ما توهین شده است. تعظیم شعائر برای همه عقلا امر دارای رجحان است. فقط مصداقاً شعیره‌ها متفاوت است، مثل پول کشورها. در مباحث دینی هم همین‌طور است؛ مثلاً اگر جلوی یک مسیحی یک علامت صلیب را بشکنید، ممکن است ناراحت شود.

بعضی‌ها در ضمن دلیل دوم (بنای عملی عقلا) یک دلیل سومی آورده‌اند به نام حکم عقل. البته حکم عقل به مقدمات نیاز دارد. یعنی اگر تعظیم شعائر:

۱- زمینه‌ساز استحکام دین شود، و زمینه‌ساز این شود که:

۲- روحیات معنوی پیدا کنیم،

۳- فسق و فجور از سطح جامعه کم شود،

۴- ظلم به مردم کمتر شود و امثالهم،

عقل می‌گوید العدل حسن عقلا و اگر این کار به این منتهی شود که کمتر به مردم ظلم شود و عدالت بیشتر در جامعه حاکم شود، می‌شود مقدمه برای تحقق عدل و عدالت و دوری از ظلم و لذا می‌شود واجب.

یکی از شعائر الهی روزه ماه رمضان است. اگر کسی علنی روزه‌خواری کند باید تعزیر شود. چون روزه‌داری در ماه رمضان حالتی در افراد ایجاد می‌کند که توجه به خدای متعال را بیشتر می‌کند و مبارزه با نفس است. این شعار چون منتهی می‌شود به یک جامعه سالم، می‌گوییم العدل حسن عقلا و کل ما یوجب تحقق العدل حسن عقلا و شاهدش این است که در ماه رمضان جرم کمتر می‌شود. لذا وجوب تعظیم شعائر یا حداقل رجحان تعظیم شعائر دلیل عقلی دارد.

موارد و مصادیق مورد نظر

در بحث حج یکی از شعائر مهم با توجه به روایات موجود، بحث لقاء الامام است. این برای مکتب اهل بیت (علیهم السلام) یک فرهنگ و یک شعار است. پس اولین شعار مصداقی مربوط به مسئله حج است و لقاء الامام. در این زمینه روایات متعدد با بیانات مختلف وجود دارد. مبنای رجالی ما وثوق صدوری است نه فقط وثاقت راوی، لذا وثوق و اعتماد به صدور از هر راهی که حاصل شود، کفایت می‌کند.

وثاقت راوی مبنای مرحوم آیت الله خویی است که عملاً و یک به یک می‌فرمودند آیا این ثقه است یا خیر و اگر نیست برویم کنار. اما وثوق صدوری به این صورت است که مثلاً می‌دانیم که بعضی از راوی‌ها فاسق هستند، اما اگر برای وثوق به صدور راه دیگری پیدا شد ولو اسناد بعضی از روایات را نمی‌شناسیم و یا می‌شناسیم ولی اعتماد نداریم، اگر از راه دیگری اعتماد پیدا کردیم، کافی است.

شاید کسی بگوید مگر راه دیگری هم هست؟ بله. مثلاً وجود یک روایت در دو اصل از اصول اربعه مائه و یا به قول آیت الله اشرفی وجود یک روایت در دو کتاب از کتب اربعه (کافی، من لایحضر، تهذیب و استبصار). ایشان می‌فرمایند من به صدور این روایت به خاطر جملاتی که مولفین در ابتدای این کتاب‌ها آورده‌اند، اطمینان پیدا می‌کنم. با این مبنا به سراغ روایات می‌رویم.

۲۸ - حدثنا محمد بن أحمد السناني رضي الله عنه قال: حدثنا أحمد بن يحيى بن زكريا القطان قال، حدثنا أبو محمد بكر بن عبيد الله بن حبيب قال: حدثنا تميم بن بهلول عن أبيه عن إسماعيل بن مهران عن جعفر بن محمد عليه السلام قال: إذا حج أحدكم فليختم حجه بزيارتنا لأن ذلك من تمام الحج.

۲۹ - حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رضي الله عنه قال: حدثنا محمد ابن يحيى العطار قال: حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن جابر عن أبي جعفر عليه السلام قال: تمام الحج لقاء الامام.^۱

۱. عيون أخبار الرضا(ع)، الشيخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۹۳.

۱- در عیون و اخبار الرضا امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند هر زمان حج انجام دادید، حد خود را به زیارت ما (اهل بیت (علیهم السلام)) ختم کنید، چون حج کامل ختم به زیارت ما می‌شود.

۲- در عیون و اخبار الرضا امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند تمام الحج لقاء الامام.

۴- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ زِيَادِ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي فِي كِتَابِهِ بِأَمْرِ فَأَحِبُّ أَنْ أَعْمَلَهُ قَالَ وَ مَا ذَاكَ قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ﴾ قَالَ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ لِقَاءَ الْإِمَامِ وَ لِيُوفُوا نُدُورَهُمْ تِلْكَ الْمَنَاسِكُ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ فَاتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ﴾ قَالَ أَخَذَ الشَّارِبَ وَ قَصَّ الْأُظْفَارَ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ قَالَ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّ ذَرِيحَ الْمُحَارِبِيِّ حَدَّثَنِي عَنْكَ بِأَنَّكَ قُلْتَ لَهُ - ﴿لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ لِقَاءَ الْإِمَامِ﴾ - ﴿وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ﴾ تِلْكَ الْمَنَاسِكُ فَقَالَ صَدَقَ ذَرِيحٌ وَ صَدَقْتَ إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِرًا وَ بَاطِنًا وَ مَنْ يَحْتَمِلُ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ.^۲

۳- در کافی راوی از حضرت سؤال می‌کند که خدای متعال در قرآن به من امری کرده و می‌خواهم بدانم و انجام دهم. حضرت می‌فرمایند آن امر چیست؟ راوی می‌گوید آیه ۲۲ از سوره حج چه می‌گوید؟ در این آیه یک معنای ظاهری تفسیر شده که بعد از قربانی، حلق یا تقصیر کنند، مثل زدن مو یا ناخن ولی معنای باطنی آیه می‌گوید آنچه که سبب تمیزی می‌شود، دور ریختن ناخالصی‌هاست و دور ریختن ناخالصی. یعنی مشرف شدن به محضر امام (لقاء الامام). این امر است و امر ظهور در وجوب دارد. پس یکی از شعائر که مرتبط به مسئله حج است، لقاء امام است.

۴- روایت دیگری داریم که مرحوم کلینی در کافی و مرحوم شیخ صدوق در من لایحضر آورده‌اند و آن، عبارت تمام الحج لقاء الامام است. یعنی در ۲ کتاب از کتب اربعه حدیثی، این عبارت آمده است.

پس، از یک طرف کمال تعظیم، لقاء الامام است و از طرف دیگر می‌گویند حج بی برائت از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) حج نیست، یعنی روح حج در آن نیست (تبری از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و اظهار ادب به اهل بیت (علیهم السلام)). لقاء در بعضی از روایات یعنی اعلام اینکه آماده نصرت و یاری به شما (اهل بیت) هستیم. به تعبیر دیگر تجدید عهد با معصوم (علیهم السلام) است. همه حج شعار است، یعنی مثلاً وقتی سنگ به شیطان می‌زنیم، جنبه شعاری دارد.

یکی از شعارهای حج رمی جمرات است، ولی روح رمی جمرات چیز دیگری است. راوی می‌گوید حضرت بعد از رمی جمرات سنگ‌های اضافه همراهشان را روی زمین ریختند و فقط ۵ سنگ را نگه داشتند و ۳ سنگ را به یک طرف و ۲ سنگ را به طرف دیگر زدند. حضرت می‌فرمایند دلیل این کار این است که هر سال حجت بالغه الهی و امام در صحنه حج حاضر می‌شود و همانطور که ما شیطان را رمی می‌کنیم، آن دو نفر هم در صحنه حج حاضر می‌شوند و آن دو را هم رمی می‌کنیم و من (امام معصوم) ۳ سنگ به نفر

۲. الکافی - ط الاسلامیه، الشیخ الكلینی، ج ۴، ص ۵۴۹.

دوم و ۲ سنگ به نفر اول زد. یعنی ما با رمی جمره، رمی خیلی چیزها را می‌کنیم (شعار شیعه). در حج، هم شعار تولی (لقاء الامام) و هم شعار تبری (رمی) است.

تعظیم شعائر، وظیفه اجتماعی

تعظیم شعائر نه تنها وظیفه فردی است بلکه وظیفه اجتماعی و وظیفه حاکمان جامعه هم هست. هر حاکمی جزء آحاد جامعه است، و بر آحاد جامعه هم تعظیم شعائر واجب است. مثلاً در سوره حج آیه **«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»**^۲ می‌فرماید جملات اخباری به معنای انشاء است. یعنی کسی که مکت، قدرت و مسئولیتی دارد، باید اقامه نماز کند، زکات بدهد و امر به معروف و نهی از منکر کند. معنای ظاهری این آیه یعنی در راستای امر به معروف حرکت کند و نهی از منکر کند.

از مهمترین مصادیق تحقق معروف و برطرف شدن منکر بحث تعظیم شعائر است. یکی از موارد تعظیم شعائر عزاداری دهه محرم است. مثلاً اگر در یک جامعه پرچم ایام عزاداری نمی‌زنند، حاکمان آن جامعه باید این کار را انجام دهند. یعنی آنها باید به وظیفه خود عمل کنند و یا اگر فرضاً از مردم یک جامعه به خاطر نداری، کم توجهی و امثالهم، شعائر مربوط به ایام عزاداری بروز و ظهور نمی‌کند، بر حاکمان لازم است که این کار را انجام دهند. پس تعظیم شعائر، هم وظیفه تک تک و آحاد جامعه است و هم از جهت دیگر وظیفه حاکمان، مسئولان و دست‌اندرکاران است. امام خمینی (ره) می‌فرماید محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

یکی از شعائر امامیه عید غدیر است که واجب تعظیم شود. لذا انسان باید با این نگاه جلو برود که تعظیم شعائر بر او واجب است یا مستحب و تعظیم کل مورد بحسبه. یکی از شعائر عمامه است و علامتی است مثل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) که یکی از عمامه‌هایشان به نام سحاب بود. چرا می‌گویند عمامه احترام دارد؟ چون شعاری است که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) منتسب هستیم که عمامه بر سر می‌گذاشتند.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.